

سخن سردیر

تکنولوژی واژه بسیار وسیعی است که شامل موارد اجتماعی و روشی و همچنین زمینه‌های تجهیزاتی نیز می‌شود. از دیدگاه تاریخی، فن‌شناسی نشان دهنده روندی است که انسان تلاش می‌کند به سمت حل مسائل واقعی زندگی جذب و با روشهای جدید کار آشنا شود و یا راههای ساده تازه‌ای برای انجام دادن آنها پیدا کند. می‌توان گفت تکنولوژی قاعدتا تفکیک پذیر از گذشته خود نیست و فن‌شناسی فعلی نتیجه فن‌آوری قبلی و زیربنای تکنولوژی آینده است. تصمیمات مربوط به تکنولوژی را انسان می‌گیرد و می‌تواند موجب حمایت از هدفهای او شود. از توسعه صنایع جدید و اختراع ماشینهای مبتنی بر کار مورد نیاز کارخانه‌ها می‌توان برای جایگزینی ماشین به جای نیروی کار و کاهش قدرت اتحادیه‌ها و سندیکاهای کارگری استفاده کرد. برعکس نیاز به نیروی انسانی با مهارت بالاتر برای اداره و نگهداری این ماشینهای جدید، قدرت و ارزش نیروی انسانی باقیمانده در سازمان را افزایش می‌دهد. تکنولوژی جدید همیشه بر پایه پیشرفتهای آن در کنترل یک یا چند شکل قضاوت شده است. کنترل هزینه‌ها، کنترل روشها و کنترل کارکنان از رایج‌ترین کنترلها است که به کار می‌رود. کنترل می‌تواند یک روش همیشگی مدیریت برای پیدا کردن راههای اعمال نظارت بر کارکنان و هدایت عکس‌العمل‌های مخالف آنها و تأیید نیاز برای کنترل بیشتر باشد. به کارگیری تکنولوژی سطح بالا می‌تواند به راحتی زمینه کنترل‌های لازم برای هماهنگی عملیات را بین اجزاء برقرار سازد، کاری که از دست انسان ساخته نیست. بعلاوه راحت‌تر است که افراد و کارکنان پیرامون تکنولوژی را با تکنولوژی تطبیق داد تا تکنولوژی را با افراد، چرا که از نظر مردم حتی پیشرفته‌ترین تکنولوژیهای عصر حاضر با استانداردهای انسانی نسبتا ساده و ناکارآمدند. به عقیده انسان‌ها برخلاف آن چه شایع است ماشین‌ها خیلی انعطاف‌پذیر نیستند و تنها در چارچوب برنامه‌ریزی که برای آنها شده است و با توجه به وضعیت آب و هوا می‌توانند عمل کنند درحالی که افراد انعطاف‌پذیرند و قادرند خود را با تغییرات تطبیق دهند و ظرفیت حل مسائلی را که از قبل پیش‌بینی و برای آنها برنامه‌ریزی نشده است دارند. از همه مهمتر این که خالق تکنولوژی انسان است و هیچ مخلوقی (تکنولوژی) نمی‌تواند برخالق خود (انسان) غلبه پیدا کند. خالق تکنولوژی انسان است و هیچگاه تکنولوژی نمی‌تواند مسلط بر انسان شود. تعداد معدودی از مدیران از تکنولوژی‌های موجود اطلاعات کاملی دارند. بنابراین برای پیشرفت توانایی‌های خود و طراحی افکار جدید مدیران به طور رو به پیشرفتی از سطوح عملیاتی فاصله می‌گیرند، ولی از طرف دیگر تکنولوژی به نحو روز افزونی به پدیده‌ای که به طور منظم در دست مردم است تبدیل می‌شود و لازم است مدیران از نزدیک بر نیازهای مردم نظارت کنند. آنها در زمینه تکنولوژی جدید مورد نیاز و تولیدات تخصصی سازمان خود و همچنین در زمینه سایر فنون مورد نیاز و فن‌آوری سایر محصولات سازمانهای بازرگانی و صنعتی دانش کمی دارند. زمانی که مدیران از آگاهی کمی برخوردار باشند به طور اجتناب‌ناپذیری تکنولوژی بیش از آنچه با آن آشنا هستند توسعه خواهد یافت. خطر این وضعیت این است که مدیران یا به صورت عکس‌العملی رفتار می‌کنند و درمقابل تقاضاهای تکنولوژی مقاومت می‌کنند یا طعمه ادعاها و علایق تکنولوژیک مسلم کارشناسان خود می‌شوند. در بسیاری از سازمان‌ها مدیران ارشد از تجربه کافی برای رو به رو شدن با این وضعیت برخوردارند و با مهارتی که دارند از بروز خطر جلوگیری می‌کنند، ولی در هر حال این خطری است که وجود دارد. ابزارهای اندازه‌گیری موثری لازم است تا مطمئن شد مدیران ارشد از فهم تکنولوژی جدید عقب نمانده‌اند.